

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۹۷

سوره عنکبوت

مقدمه

این سوره در «مکه» نازل شده و دارای ۶۹ آیه است

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۱۹۸

محتوای سوره عنکبوت

مشهور در میان جمعی از محققین این است که تمام این سوره در مکه نازل شده است، و به این ترتیب محتوای آن هماهنگ با محتوای سوره‌های مکی است سخن از مبدء و معاد است، سخن از قیام انبیای بزرگ پیشین و مبارزه آنها با مشرکان و بت پرستان جبار و ستمگر و پیروزی آنها و نابودی این گروه ظالم است.

سخن از دعوت به سوی حق و آزمایشهای الهی و بهانه جوئیهای کفار در زمینه‌های مختلف است.

هر چند جمعی یازده آیه آغاز این سوره را استثناء کرده‌اند و معتقدند این یازده آیه در مدینه نازل شده است، انگیزه آنها بر این اعتقاد، شاید پاره‌ای از شأن نزولهایی است که بعداً به آن اشاره خواهیم کرد و بحث از جهاد که در این آیات وارد شده، و همچنین اشاره‌ای که در بعضی از آنها به مسأله منافقین است، و اینها متناسب با سوره‌های مدنی است.

ولی بعداً خواهیم دید که این امور منافاتی با «مکی» بودن سوره ندارد، و به هر حال نامگذاری این سوره به سوره عنکبوت از آیه ۴۱ آن گرفته شده که بت پرستان را که تکیه بر غیر خدا می‌کنند تشبیه به عنکبوت می‌کند که تکیه گاهش، تارهای سست و بی‌بنیاد است.

به طور کلی می‌توان گفت بحثهای این سوره در چهار بخش خلاصه می‌شود:

- ۱ - بخش آغاز این سوره که پیرامون مسأله «امتحان» و «وضع منافقان» است و این دو پیوند ناگسستنی با هم دارند، چرا که شناخت منافقان جز در طوفانهای امتحانات و آزمونها ممکن نیست.
- ۲ - بخش دیگری که در حقیقت برای دل‌داری پیامبر (صلی الله علیه و آله

نخستین از طریق بیان گوشه‌هایی از سرنوشت پیامبران بزرگی همچون نوح و ابراهیم و لوط و شعیب است که در برابر گردنکشان‌ی همچون نمرود و ثروتمندان خودخواه قرار داشتند، ابزار این مبارزه، کیفیت این مبارزه و پایان آن، مشخص شده است تا هم دلداری برای مؤمنان باشد و هم هشداری برای بت پرستان سنگدل و ستمگر که در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بودند.

۳ - بخش دیگری از این سوره که مخصوصا در اواخر سوره قرار گرفته از توحید، و نشانه‌های خدا در عالم آفرینش، و مبارزه با شرک، سخن می‌گوید، و وجدان و فطرت انسانها را در اینجا به داوری می‌طلبد.

۴ - قسمت دیگری از این سوره مباحث متنوعی پیرامون ضعف و ناتوانی معبودهای ساختگی، و عابدان «عنکبوت صفت» آنها است و همچنین عظمت قرآن و دلائل حقانیت پیامبر اسلام و لجاجت مخالفان و نیز یک سلسله مسائل تربیتی همچون نماز، نیکی به پدر و مادر، اعمال صالح و طرز بحث و برخورد منطقی با مخالفان دور می‌زند.

فضیلت این سوره

در تفسیر مجمع البیان از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین آمده است: من قرء سورة العنکبوت کان له من الاجر عشر حسنات بعدد کل المؤمنین و المنافقین: «هر کس سوره عنکبوت را بخواند به تعداد تمام مؤمنان و منافقان، ده حسنه برای او نوشته می‌شود».

مخصوصا در باره تلاوت سوره عنکبوت و روم در ماه رمضان در شب بیست و سوم، فضیلت فوق العاده‌ای وارد شده است تا آنجا که در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: من قرء سورة العنکبوت و الروم فی شهر رمضان لیلۃ ثلاث و عشرين فهو و الله من اهل الجنة، لا استثنی فیہ ابداء، و لا اخاف ان یکتب الله علی فی یمینی اثما، و ان لهاتین السورتین من الله مکانا: «هر کس سوره عنکبوت و روم را در ماه رمضان شب بیست و سوم تلاوت کند به خدا سوگند اهل بهشت است، و من هیچکس را از این مسأله استثناء نمی‌کنم، و نمی‌ترسم

که خداوند در این سوگند قاطع من گناهی بر من بنویسد، و مسلماً این دو سوره در پیشگاه خدا بسیار ارج دارد».

بدون شک محتوای پربار این دو سوره و درسهای مهم توحیدی آن، و برنامه‌های سازنده عملی که در این دو سوره ارائه شده است کافی است که هر انسانی را که اهل اندیشه و الهام و عمل باشد به بهشت جاویدان سوق دهد. بلکه شاید تنها اگر از نخستین آیه سوره عنکبوت الهام بگیریم، مشمول

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۰۱

سوگند امام صادق (علیه السلام) شویم، همان آیه‌ای که مسأله امتحان عمومی انسانها را مطرح می‌کند و می‌گوید: همه بدون استثناء در بوته آزمایشها قرار می‌گیرند تا سیه روی شوند آنها که غش دارند. چگونه ممکن است انسان این آزمون عظیم را کاملاً باور داشته باشد و خود را برای آن آماده نسازد، و اهل تقوا و پرهیزگاری نگردد؟

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۰۲

آیه ۱-۳

آیه و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ الم

۲ اءحسب الناس ان يتركوا ان يقولوا ءامنا و هم لا يفتنون

۳ و لقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن الله الذين صدقوا و ليعلمن الكاذبين

ترجمه :

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر

۱ - الم

۲ - آیا مردم گمان کردند به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟!

۳ - ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم (و اینها را نیز امتحان می‌کنیم) باید علم خدا در مورد کسانی که راست می‌گویند و کسانی که دروغ می‌گویند تحقق یابد.

شان نزول :

بعضی از مفسران روایتی نقل کرده‌اند که بر طبق آن یازده آیه آغاز این سوره در مدینه نازل شده، در مورد مسلمانانی که در مکه بودند و اظهار

اسلام می کردند اما حاضر به هجرت به مدینه نبودند، آنها نامهای از برادران خود در مدینه دریافت داشتند که در آن تصریح شده بود: «خدا اقرار به ایمان را از شما نمی پذیرد مگر اینکه هجرت کنید و به سوی ما بیایید» آنها تصمیم به هجرت گرفتند و

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۰۳

مکه خارج شدند، جمعی از مشرکان به تعقیب آنان پرداختند و با آنان پیکار کردند بعضی کشته شدند و بعضی نجات یافتند (و احتمالاً بعضی نیز تسلیم شده به مکه بازگشتند).

بعضی دیگر «آیه دوم» را در مورد عمار یاسر و جمعی دیگر از مسلمانان نخستین می دانند که ایمان آوردند و سخت تحت شکنجه دشمنان واقع شدند. بعضی گفته اند آیه هشتم در مورد اسلام آوردن «سعد بن ابی وقاص» نازل شده.

ولی بررسی خود این آیات نشان می دهد که هیچ دلیلی بر مسأله ارتباط آیات با هجرت در آنها نیست تنها بیانگر فشارهایی است که بر مؤمنان در آن زمان از ناحیه دشمنان، و حتی گاه از ناحیه پدران و مادران مشرک آنها وارد می شد. این آیات مسلمانان را تشویق به استقامت و پایداری در برابر موج فشار دشمن می کند، و اگر سخن از جهاد به میان آورده نیز ظاهراً جهاد در همین زمینه است، نه جهاد مسلحانه دستجمعی و گروهی، که دستور آن در مدینه نازل شد.

و نیز اگر سخن از منافقان می گوید ممکن است اشاره به گروه سست ایمانی باشد که احیاناً در مکه در لابلای مسلمانان وجود داشتند، گاه با مسلمانان همراه بودند و گاه با مشرکان، و کفه هر کدام سنگینتر می شد به سوی اومی چرخیدند!

به هر حال پیوستگی و انسجام آیات این سوره ایجاب می کند که همه آنها را «مکی» بدانیم و روایات بالا که خود با یکدیگر انسجام ندارد نمی تواند این بهم پیوستگی را بر هم زند.

تفسیر :

آزمایش الهی یک سنت جاویدان

باز در آغاز این سوره به حروف مقطعه (الف - لام - میم) برخورد می کنیم که تاکنون بارها تفسیر آن را از دیدگاه های مختلف بیان کرده ایم.

بعد از ذکر حروف مقطعه به یکی از مهمترین مسائل زندگی بشر که مسأله شدائد و فشارها و آزمونهای الهی است اشاره می کند.

نخست می گوید: «آیا مردم گمان کردند همین اندازه که اظهار ایمان کنند و شهادت به توحید و رسالت پیامبر دهند به حال خود واگذارده خواهند شد و امتحان نمی شوند»؟! (احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لایفتنون).

بعد بلافاصله به ذکر این حقیقت می پردازد که امتحان یک سنت همیشگی و جاودانی الهی است، امتحان مخصوص شما جمعیت مسلمانان نیست، سنتی است که در تمام امتهای پیشین جاری بوده است. می فرماید: «ماکسانی را که قبل از آنها بودند آزمایش کردیم» (ولقد فتنا الذین من قبلهم).

آنها را نیز در کوره های سخت امتحان افکندیم، آنها نیز همچون شما در فشار دشمنان بیرحم و جاهل و بیخبر و متعصب و لجوج قرار داشتند، همیشه میدان امتحان باز بوده و گروهی در این میدان شرکت داشته اند.

باید هم چنین باشد چرا که در مقام ادعا هر کس می تواند خود را برترین مؤمن، بالاترین مجاهد، و فداکارترین انسان معرفی کند، باید وزن و قیمت وارزش این ادعاها از طریق آزمون روشن شود، باید معلوم گردد تا چه اندازه نیات درونی و آمادگیهای روحی با این گفته ها هماهنگ یا ناهماهنگ است؟

آری «باید خدا بداند چه کسانی راست می گویند، و چه کسانی دروغگو هستند» (فلیعلمن الله الذین صدقوا و لیعلمن الکاذبین).

بدیهی است خدا همه اینها را می داند، حتی قبل از خلقت انسانها، منظور از علم در اینجا همان تحقق عینی مسائل و وجود خارجی آنها است، و به تعبیر دیگر ظهور آثار و شواهد عملی است، یعنی باید علم خدا در باره این گروه عملاً در خارج پیاده شود، و تحقق عینی یابد، و هر کس آنچه را در درون دارد بیرون ریزد، این است معنی علم هنگامی که در اینگونه موارد درمورد خداوند به کار می رود.

دلیل این مسأله نیز روشن است زیرا نیات درونی و صفات باطنی تا در عمل انسان تحقق و عینیت پیدا نکند ثواب و جزا و کیفر مفهوم ندارد.

آزمایش برای تحقق بخشیدن به نیات و صفات درونی است. و به عبارت دیگر این عالم همچون یک «دانشگاه» یا یک «مزرعه» است (این تشبیهات در متون احادیث اسلامی وارد شده) برنامه این است که در دانشگاه استعدادها شکوفا گردد، لیاقتها پرورش یابد، و آنچه در مرحله «قوه» است به «فعلیت» برسد.

باید در این مزرعه نهاد بذرها ظاهر گردد، و از درون آنها جوانه‌ها بیرون آید، جوانه‌ها سر از خاک بردارند، پرورش یابند، نهال کوچکی شوند و سرانجام درختی تنومند و بارور، و این امور هرگز بدون آزمایش و امتحان ممکن نیست.

و از اینجا می‌فهمیم که آزمایشهای الهی نه برای شناخت افراد است، بلکه برای پرورش و شکوفائی استعدادها است.

بنابراین اگر ما آزمایش می‌کنیم برای کشف مجهولی است، اما اگر خداوند آزمایش می‌کند برای کشف مجهول نیست که علمش به همه چیز احاطه دارد بلکه برای پرورش استعدادها و به فعلیت رسانیدن قوه‌هاست.

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۰۶

نکته:

۱- آزمونها در چهره‌های مختلف

گرچه بیان عمومیت امتحان برای تمام اقوام و جمعیتها، اثر سازنده بسیار قابل ملاحظه‌ای برای مؤمنان مکه که در آن روز در اقلیت شدیدی بودند داشت و توجه به این واقعیت آنها را در مقابل دشمنان، سخت مقاوم و شکیبا می‌کرد، ولی این منحصر به مؤمنان مکه نبود بلکه هر گروه و جمعیتی به نوعی در این سنت الهی شریک و سهیمند و امتحانات خداوند در چهره‌های گوناگون به سراغ آنها می‌آید.

گروهی در محیط‌هایی قرار می‌گیرند که از هر نظر آلوده است، و سوسه‌های فساد از هر طرف آنها را احاطه می‌کند، امتحان بزرگ آنها این است که در چنین جو و شرائطی هم‌رنگ محیط نشوند و اصالت و پاکی خود را حفظ کنند.

گروهی در فشار محرومیتها قرار می‌گیرند، در حالی که می‌بینند اگر حاضر به معاوضه کردن سرمایه‌های اصیل وجود خود باشند، فقر و محرومیت به سرعت درهم می‌شکند، اما به بهای از دست دادن ایمان و تقوا و آزادگی

وعزت و شرف، و همین آزمون آنها است. گروهی دیگر بر عکس غرق در نعمت می‌شوند و امکانات مادی از هر نظر در اختیارشان قرار می‌گیرد، آیا در چنین شرائطی، قیام به وظیفه شکر نعمت می‌کنند؟ یا غرق در غفلت و غرور و خودخواهی و خودبینی، غرق در لذات و شهوات و بیگانگی از جامعه و از خویشتن می‌شوند؟! گروهی - همچون غرب و شرق زده‌های عصر ما - با کشورهائی روبرو می‌شوند که در عین دوری از خدا و فضیلت و اخلاق، از تمدن مادی خیره‌کننده‌ای

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۰۷

بهرهمندند و رفاه اجتماعی قابل ملاحظه‌ای دارند، در اینجا جاذبه نیرومند مرموزی آنها را به سوی این نوع زندگی می‌کشد که به قیمت زیر پا نهادن همه اصولی که به آن اعتقاد دارند و به قیمت تن دادن به ذلت وابستگی چنان زندگی را برای خود و جامعه خویش فراهم سازند، این نیز یک نوع آزمون است.

مصیبت‌ها، درد و رنج‌ها، جنگ و نزاع‌ها، قحطی و گرانی و تورم، حکومت‌های خودکامه، که انسانها را به بردگی و اسارت خود دعوت می‌کنند و آنها را به تسلیم در برابر برنامه‌های طاغوتی خود فرا می‌خوانند، و بالاخره امواج نیرومند هوای نفس و شهوت، هر یک از اینها وسیله آزمایشی است بر سر راه بندگان خدا، و در همین صحنه‌ها است که ایمان و شخصیت و تقوی و پاکی و امانت و آزادگی افراد مشخص می‌شود. اما برای پیروزی در این آزمونها سخت، جز تلاش و کوشش مستمر و تکیه بر لطف خاص پروردگار راهی نیست.

جالب اینکه در حدیثی که در اصول کافی از بعضی از معصومین در تفسیر آیه احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون آمده چنین می‌خوانیم: یفتنون کما یفتن الذهب، ثم قال یخلصون کما یخلص الذهب! «آزمایش می‌شوند همانگونه که طلا در کوره آزمایش می‌شود، و خالص می‌شوند همانگونه که فشار آتش ناخالصیهای طلا را از بین می‌برد و آن را خالص می‌کند».

به هر حال عافیت طلبانی که گمان می‌کنند همین اندازه که اظهار ایمان کنند در صف مؤمنان قرار می‌گیرند و در اعلیٰ علین بهشت همنشین پیامبران و صدیقین و شهداء خواهند بود سخت در اشتباهند.

به گفته امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در نهج البلاغه و الذی بعثه
بالحق لتبلیلین بلبلة، و لتغریلین غریلة، و لتساطن سوط القدر، حتی یعود
اسفلکم اعلاکم و اعلاکم اسفلکم: «سوگند به کسی که پیامبر (صلی الله
علیه و آله و سلم) را به حق مبعوث کرده به شدت مورد آزمایش قرار
می گیرید، و غربال می شوید، و همانند محتویات یک دیگ به هنگام جوشش،
زیر و رو خواهید شد، آنچنان که بالای شما پائین و پائین بالا قرار
خواهد گرفت»!

این سخن را هنگامی می گوید که تازه مردم با او بیعت کرده اند و در انتظار این
هستند که ببینند او با تقسیم اموال بیت المال و مقامها چه می کند؟! آیا با همان
معیارهای گذشته و تبعیضها یا بر معیار تلخ عدالت محمدی؟!

آیه ۴-۷

آیه و ترجمه

۴ اءم حسب الذین یعملون السیات اءن یسبقونا ساء ما یحکمون
۵ من کان یرجوا لقاء الله فان اءجل الله لات و هو السميع العليم
۶ و من جاهد فانما یجاهد لنفسه ان الله لغنی عن العالمین
۷ و الذین ءامنوا و عملوا الصالحات لنکفرن عنهم سیئاتهم و لنجزینهم اءحسن
الذی کانوا یعملون

ترجمه :

- ۴ - آیا کسانی که اعمال بد بجا می آورند گمان کردند از حوزه قدرت مابیرون
خواهند رفت؟ چه بد داوری می کنند؟
- ۵ - کسی که امید به لقاء الله (و رستاخیز) دارد (باید در اطاعت فرمان
اوفر و گذار نکند) زیرا زمانی را که خدا تعیین کرده سرانجام فرا می رسد، و
اوشنوا و دانا است.
- ۶ - کسی که جهاد و تلاش کند برای خود جهاد می کند، چرا که خداوند از همه
جهانیان بی نیاز است.

۷ - و کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند گناهان آنها را می‌پوشانیم (و می‌بخشیم) و آنها را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند پاداش می‌دهیم.

تفسیر :

فرار از حوزه قدرت خدا ممکن نیست!

در آیات گذشته سخن از آزمایش عمومی مؤمنان بود، و نخستین آیه مورد بحث تهدید شدیدی برای کفار و گنهکاران است، تا گمان نکنند اگر مؤمنان را تحت فشار قرار دادند و مجازاتهای الهی فوراً دامن آنها را فرو نگرفت خدا از آنها غافل است و یا قدرت بر عذاب آنها ندارد.

می‌فرماید: «آیا کسانی که سیئات را انجام می‌دهند گمان کردند بر ما پیشی خواهند گرفت، و از چنگال کیفر ما رهائی خواهند یافت؟ چه بد قضاوتی کردند!» (ام حسب الذین يعملون السيئات ان يسبقونا سوء ما يحكمون).

مهلت الهی آنها را مغرور نکند که این نیز برای آنها آزمونی است و فرصتی برای توبه و بازگشت.

اینکه بعضی از مفسران آیه فوق را اشاره به مؤمنین گنهکار دانسته‌اند به هیچوجه مناسب سیاق آیات نیست بلکه قرائن گواهی می‌دهد که منظور مشرکان و کفار است.

سپس بار دیگر به سراغ برنامه‌های مؤمنان و اندرز به آنها می‌رود می‌گوید: «هر کسی امید لقاء پروردگار دارد باید آنچه در توان دارد از اطاعت فرمان او مضایقه نکند، زیرا زمانی را که خداوند تعیین کرده سرانجام فرامی‌رسد» (من كان يرجوا لقاء الله فان اجل الله لات).

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۱۱

آری این وعده الهی تخلف ناپذیر است، و راهی است که به هر حال باید پیموده شود.

و از این گذشته خداوند سخنان شما را می‌شنود و از اعمال و نیات شما آگاه است که «او شنوا و دانا است» (و هو السميع العليم).

در اینکه منظور از «لقاء الله» (ملاقات پروردگار) چیست؟ بعضی آن را به معنی ملاقات فرشتگان پروردگار، و بعضی به معنی ملاقات حساب و جزاء، و بعضی به ملاقات حکم و فرمان حق تفسیر کرده‌اند، و بعضی آن را کنایه از

قیامت و رستاخیز دانسته‌اند، در حالی که دلیلی ندارد که آیه را به این معانی مجازی تفسیر کنیم.

باید گفت: لقای پروردگار در قیامت، نه یک ملاقات حسی است که یک لقای روحانی و یکنوع شهود باطنی است، چرا که در آنجا پرده‌های ضخیم عالم ماده از مقابل چشم جان انسان کنار می‌رود، و حالت شهود به انسان دست می‌دهد. به گفته «علامه طباطبائی» در المیزان، منظور از لقاء الله آنست که بندگان در موقفی قرار می‌گیرند که حجابی میان آنها و پروردگارشان نیست، زیرا طبیعت روز قیامت ظهور حقایق است چنانکه قرآن می‌گوید: و یعلمون ان الله هو الحق المبين: «آن روز خواهند دانست که خدا حق آشکاراست» (سوره نور آیه ۲۵).

آیه بعد در حقیقت تعلیلی است برای آنچه در آیه قبل گذشت، می‌گوید: این‌که دستور داده شده مؤمنان به لقاء الله آنچه در توان دارند فروگذار نکنند

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۱۲

به خاطر این است که «هر کسی جهادی کند و تلاش و کوششی کند و تحمل مصائب و مشکلاتی نماید در حقیقت برای خود جهاد کرده است، چرا که خدا از همه جهانیان بی نیاز است» (و من جاهد فانما یجاهد لنفسه ان الله لغنی عن العالمین).

برنامه آزمون الهی، جهاد با هوای نفس، و مبارزه با دشمنان سرسخت برای حفظ ایمان و پاکی و تقوا، برنامه خود انسان است، و گر نه خداوند وجودی است نامتناهی از هر نظر و هیچ نیازی ندارد که به وسیله عبادت یا اطاعت بندگان بر طرف شود، کمبودی ندارد که دیگران به او بدهند، بلکه دیگران هر چه دارند از او دارند، از خودشان چیزی ندارند.

از این بیان روشن می‌شود که «جهاد» در اینجا الزاما به معنی جهاد مسلحانه با دشمن نیست، بلکه همان معنی اصلی لغوی خود را دارد که هرگونه تلاش و کوشش را برای حفظ ایمان و تقوی، و تحمل انواع شدائد و مبارزه‌های موضعی را با دشمن لجوج و کینه‌توز شامل می‌شود.

خلاصه اینکه تمام منافع این جهاد به شخص مجاهد باز می‌گردد و او است که خیر دنیا و آخرت را در پرتو جهادش تحصیل می‌کند، و حتی اگر جامعه از برکات این جهاد بهره‌مند شود در مرحله بعد خواهد بود، بنابراین

هرگاه توفیق این جهاد نصیب کسی شود باید خدا را بر این نعمت بزرگ سپاس گوید.

آخرین آیه مورد بحث، توضیح و تکمیلی است برای آنچه بطور سربسته در آیه قبل تحت عنوان «جهاد» آمده بود، در اینجا حقیقت جهاد را شکافته و چنین بازگو می‌کند: «کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند گناهان آنها را می‌پوشانیم» (و الذین آمنوا و عملوا الصالحات لنكفرن عنهم سيئاتهم)

بنابراین نخستین فایده این جهاد بزرگ (ایمان و عمل صالح) تکفیر

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۱۳

و پوشاندن گناهان است که عائد خود انسان می‌شود، همانگونه که ثواب آن هم از آن خودشان می‌باشد، چنانکه قرآن در پایان همین آیه می‌گوید: «ما به طور قطع آنها را به بهترین اعمالی که انجام دادند پاداش می‌دهیم» (ولنجزيهم احسن الذي كانوا يعملون).

«نکفر» از ماده «تکفیر» در اصل به معنی «پوشاندن» است، و منظور از پوشاندن گناهان در اینجا عفو و بخشش الهی است.

تعبیر به «احسن الذي كانوا يعملون» با اینکه خداوند همه اعمال نیک راجزا می‌دهد چه «حسن» باشد و چه «احسن» (چه خوب چه خوبتر) ممکن است اشاره به این باشد که ما همه اعمال خوب آنها را به حساب بهترین آنها می‌گذاریم، یعنی اگر بعضی از اعمال آنها عالی و بعضی خوب یا متوسط است همه را به حساب عالی می‌گذاریم و این است معنی تفضل پروردگار که در آیات دیگر قرآن (مانند آیه ۳۸ نور) نیز به آن اشاره شده است: لیجزيهم الله احسن ما عملوا و یزیدهم من فضله: «تا خداوند بهترین اعمال آنها را پاداش دهد و از فضلش بر آن بیفزاید».

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۱۴

آیه ۸-۹

آیه و ترجمه

۸ و وصینا الانسان بوالديه حسنا و ان جاهدک لتشک بى ما لیس لک به علم فلا تطعهما الى مرجعکم فانئیکم بما کنتم تعملون
۹ و الذین امنوا و عملوا الصالحات لندخلنهم فی الصالحین

ترجمه :

- ۸ - ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر آنها تلاش کنند که برای من شریکی قائل شوی که به آن علم نداری، از آنها اطاعت مکن، بازگشت همه شما به سوی من است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر خواهم ساخت.
- ۹ - کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند آنها را در زمره صالحان وارد خواهم کرد.

شان نزول :

روایات مختلفی در شأن نزول آیه فوق آمده است که عصاره همه آنها یکی است و آن اینک: «بعضی از مردانی که در مکه بودند ایمان و اسلام را پذیرفتند هنگامی که مادر آنها از این مسأله آگاه شد تصمیم گرفت که غذا نخورد، آب ننوشد، تا فرزندش از اسلام بازگردد! گرچه هیچکدام از این مادران به گفته خود وفا نکردند و اعتصاب غذا را شکستند، ولی آیه فوق نازل

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۱۵

شد و خط روشنی در برخورد با پدر و مادر در زمینه مسأله ایمان و کفر به دست همگان داد.

تفسیر :

برترین توصیه نسبت به پدر و مادر

یکی از مهمترین آزمایشهای الهی مسأله «تضاد» خط ایمان و تقوا، بایوندهای عاطفی و خویشاوندی است، قرآن در این زمینه تکلیف مسلمانان را به روشنی بیان کرده است.

نخست به عنوان یک قانون کلی که از ریشه‌های عواطف و حقشناسی سرچشمه می‌گیرد می‌فرماید: «ما به انسان توصیه کردیم نسبت به پدر و مادرش نیکی کند» (و وصینا الانسان بوالدیه حسنا).

گرچه این یک حکم تشریعی است ولی این مسأله پیش از آنکه یک لازم‌تشریعی باشد به صورت یک قانون تکوینی در نهاد همه انسانها وجود دارد، و مخصوصاً تعبیر به انسان در اینجا جلب توجه می‌کند، چرا که این قانون مخصوص به مؤمنان نیست، بلکه هر کس شایسته نام انسان است باید در برابر پدر و مادر حقشناس باشد، و احترام و تکریم و نیکی به آنها را در تمام عمر فراموش نکند، هر چند با این اعمال هرگز نمی‌تواند دین خود را به

آنها اداء کند.

سپس برای اینکه کسی تصور نکند که پیوند عاطفی با پدر و مادر می تواند بر پیوند انسان با خدا و مسأله ایمان حاکم گردد، با یک استثناء صریح مطلب را در این زمینه روشن کرده، می فرماید: «و اگر آن دو (پدر و مادر) تلاش و کوشش کنند و به تو اصرار ورزند که برای من شریکی قائل شوی، که به آن علم نداری، از آنها اطاعت مکن» (و ان جاهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما).

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۲۱۶

تعبیر به «جاهداک»، مفهومیست که کار گرفتن نهایت تلاش و کوشش و اصرار آنها است.

و تعبیر به «مالیس لک به علم» (چیزی که به آن علم نداری) اشاره به منطقی نبودن شرک است، چون اگر واقعا شرک صحیح بود، دلیلی بر آن وجود داشت، و به تعبیر دیگر جایی که انسان علم به چیزی نداشته باشد باید از آن پیروی نکند، تا چه رسد به اینکه علم به بطلان آن داشته باشد.

پیروی از چنین چیزی پیروی از جهل است، اگر پدر و مادر تو را وادار به پیروی از جهل کنند اطاعت آنها مکن، اصولا تقلید کورکورانه غلط است حتی اگر در مورد ایمان باشد تا چه رسد به شرک و کفر.

همین توصیه در مورد پدر و مادر در سوره لقمان نیز آمده است، با این اضافه که در آنجا می فرماید: و صاحبهما فی الدنیا معروفان: «در عین اینکه دعوت آنها را به شرک می پذیر در امور دنیا نسبت به آنها ارفاق کن و در معاشرت با آنها به نیکی عمل نما» مبادا کسی چنین تصور کند که مخالفت با پدر و مادر در مورد دعوت به شرک، دلیل بر بد رفتاری با آنها است، و این نهایت تاءکید اسلام را در مورد احترام به پدر و مادر ثابت می کند.

به این ترتیب از اینجا یک اصل کلی استفاده می شود که هیچ چیز نمی تواند بر ارتباط انسان با خدا حاکم گردد که آن مقدم بر همه چیز است، حتی بر پیوند با پدر و مادر که نزدیکترین پیوندهای عاطفی است.

حدیث معروف لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق: «اطاعت از مخلوق در عصیان خالق روانیست» که از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده معیار روشنی را در این مسائل به دست می دهد.

و در پایان آیه می‌افزاید: «بازگشت همه شما به سوی من است و من شمارا از اعمالی که انجام می‌دادید آگاه می‌سازم» و پاداش و کیفر آن را بی‌کم و کاست در اختیارتان خواهم گذاشت (الی مرجعکم فانئکم بما کنتم تعملون). این جمله در حقیقت تهدیدی است برای کسانی که راه شرک را می‌پویند، و کسانی که دیگران را به این راه دعوت می‌کنند، زیرا صریحا می‌گوید: خداوند حساب همه اعمال آنها را نگاه می‌دارد و به موقع تحویل آنها می‌دهد.

آیه بعد بار دیگر حقیقتی را که قبلا در مورد کسانی که ایمان و عمل صالح دارند بیان شد تکرار و تاءکید می‌کند، می‌فرماید: «کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام می‌دهند آنها را در زمره صالحان داخل خواهیم کرد» (و الذین آمنوا و عملوا الصالحات لندخلنهم فی الصالحین).

اصولا عمل انسان به انسان رنگ می‌دهد، عمل صالح انسان را از نظر روحی به رنگ خود در می‌آورد و در زمره صالحان وارد می‌کند، و عمل سوء در زمره بدان و «ناصالحان».

در اینکه این تکرار به چه منظور است بعضی گفته‌اند در آیات قبل اشاره به کسانی بود که راه حق را می‌سپردند، و در اینجا اشاره به کسانی است که هادیان این راه و دلیلان طریق توحیدند، زیرا تعبیر به «صالحین» در مورد بسیاری از انبیاء آمده است که از خدا می‌خواستند آنها را به صالحان ملحق کند.

این احتمال نیز وجود دارد که در آیات قبل، سخن از بخشش گناهان و جزای شایسته این گروه مؤمنان بود، ولی در اینجا اشاره به مقام والای آنهاست که خود پاداشی است دیگر، آنها در صف صالحان، در صف پیامبران و صدیقین و شهدا قرار می‌گیرند و همدم و همنشین آنهایند.

نکته:

نیکی به پدر و مادر

این نخستین بار نیست که قرآن به این مسأله مهم انسانی اشاره می‌کند، قبلادر سوره اسراء آیه ۲۳ اشاره شده و بعدا در سوره لقمان آیه ۱۴ و ۱۵

واحقاف آیه ۱۵ نیز به این موضوع مهم اشاره خواهد کرد.

در حقیقت اسلام برترین احترام را برای این دو تن قائل است، که حتی در صورت مشرک بودن، و دعوت به شرک کردن که منفورترین کارها در نظر اسلام است باز حفظ احترام آنها را - در عین عدم پذیرش دعوت آنها به شرک - واجب می‌شمرد.

این در واقع یکی از آزمایشهای بزرگ الهی است که در آغاز این سوره به آن اشاره شده است، چرا که گاهی آنها به سالهائی از عمر می‌رسند که نگهداری و تحملشان مشکل می‌شود، اینجا است که باید فرزندان، امتحان خود را در زمینه حقشناسی و اطاعت فرمان خدا بدهند، و از پدران و مادران به بهترین وجه نگاهداری کنند.

در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم: شخصی خدمتش آمد و عرض کرد: من به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت، دوباره سؤال کرد: بعد از او به چه کسی؟ فرمود: به مادرت، بار سوم سؤال کرد: بعد از او به چه کسی؟ باز فرمود: به مادرت! و در چهارمین بار توصیه پدر و سپس سایر بستگان را به ترتیب نزدیکی آنها با انسان فرمود.

در حدیث دیگری که در بسیاری از کتب آمده است پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: الجنة تحت اقدام الامهات: «بهشت زیر پای مادران است» (و تنها از طریق خضوع و همچون خاک راه بودن در برابر آنها می‌توان به بهشت برین راه یافت).

بعد ←

↑ فترت

→ قبل